

رضا میر کریمی در نشست فیلم «نگهبان شب»: آدم صریحی نیستم

رضا میرکریمی کارگردان فیلم «نگهبان شب» در

نشست خبری این فیلم گفت: جهان فیلم روایتش منطق بر نگاه شخصیت اصلی فیلم و تجربه‌ای است که از درک مسیر دارد و همه ماجراهای جانبی فیلم چیزهایی است که او از کنارش عبور می‌کند. من نمی‌خواستم روی این‌ها زوم کنم و هدف اصلی،

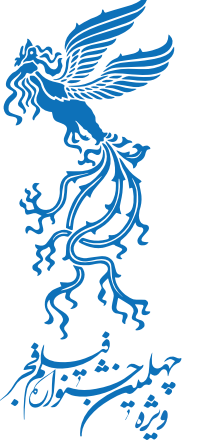


علیرضا سجادیور
تهیه‌کننده
سینما در گذشت

علیرضا سجادیور، تهیه‌کننده و مدیر سابق سینما بر اثر تومور مغزی درگذشت.

این خبر را روح‌الله سجادیور فرزند این سینماگر در صفحه شخصی خود تأیید کرد.

سجادیور از عارضه تومور مغزی رنج می‌برد. او به تازگی فیلم سینمایی «مستطیل قرمز» به کارگردانی حسن و حسین صیدخانی را تهیه کرده بود.



ذره‌بین

نخستین واکنش بیرانوند به فیلم «بیرو»

علیرضا بیرانوند که به دلیل بیماری کرونا و همچنین بازی‌های تیم ملی فوتبال موفق نشده بود فیلم را ببیند، شامگاه ۱۶ بهمن به تماشای «بیرو» نشست.

بیرانوند گفت: زحمت زیادی برای ساخت این فیلم کشیده شده و بسیار به زندگی واقعی من نزدیک است. به نظر من مخاطب اصلی این فیلم نوجوانان و جوانانی هستند که به هدف خود فکر می‌کنند و امیدوارم پس از تماشای این فیلم برای رسیدن به هدفشان جدی‌تر تلاش کنند و همه حرف فیلم این است که هرگز دست از تلاش برندارند.

زهره کهندل، بهروز شعبی، فیلمساز تجربه‌های جدید است. او در کارنامه کاری‌اش سراغ موضوعات مختلفی رفته است از عاشقانه سیاسی «سیانور» گرفته تا پرداختن به یک پرونده فساد اقتصادی در «روز بلوا» اما آنچه بیش از همه در کارنامه فیلم‌سازی او عیان است پرداختن به روابط انسانی در فیلم‌های اجتماعی اوست. او در «دارکوب» و «دهلیز» نشان داد به خوبی می‌تواند از پس نمایش روابط پیچیده انسانی بربیاید و این بار در «بدون قرار قبلی» توانست شکل کامل‌تری از این پیچیدگی روابط انسانی و سفر درونی شخصیت‌ها را نشان دهد. فیلم در نیمه نخست با یک گره آغاز می‌شود؛ وصیت پدری برای دخترش که ۳۰ سال‌ا‌ورا ندیده است. اگرچه نیمه ابتدایی فیلم که در آلمان می‌گذرد کمی کنداست اما هر چه درام پیش می‌رود، کلاف پیچیده روابط انسانی فیلم بازنر می‌شود و ریتم فیلم هم سرعت بیشتری پیدا می‌کند، تعدد لوکیشن در نیمه دوم فیلم به تند شدن ریتم فیلم کمک می‌کند. حرم مطهر رضوی، خانه‌ای قدیمی در مشهد، خیابان‌های شهر امام‌رضاع(ع)، آسیادهای نشتیفان و روستای تاریخی کنگ، لوکیشن‌های دیدنی این فیلم علاوه بر تهران و برلین هستند.

ادای دین فیلمساز به زادگاهش

شاید بتوان گفت شعبی با ساخت «بدون قرار قبلی» که بخش مهم قصه‌اش در مشهد و حرم امام‌رضاع(ع) می‌گذرد، دین خودش را به زادگاهش ادا کرده است. او در این فیلم علاوه بر اینکه به مسئله بازگشت آدمی به ریشه‌هایش اشاره دارد، مجالی نیز به خودش برای بازگشت داده است. توجه به موسیقی منطقه خراسان، عروسی محلی، لهجه مشهدی و عناصر بومی دیگر نشان از توجه فیلمساز به مسئله هویت و ریشه دارد، اگرچه در این بین ی‌دقتی‌هایی هم دیده می‌شود مثلاً عروسی محلی که در روستای کنگ برگزار می‌شود به شیوه کرمانج‌های شمال خراسان است یا اینکه لباس کفشدارهای حرم یا اینکه لباده و شلوار مشکی است اما پشت میز کفشداری، روپوش سبز رنگ بر تن می‌کنند. شعبی که خودش زاده مشهد است و آشنا به لهجه مشهدی اما گویی سال‌ها زندگی در پایتخت، او را همچنان در مشهد ۲۰ سال



پیش نگه داشته است، ترگس و شوهرش که نقش زوج مشهدی را ایفا می‌کنند چنان در صحبت کردن با لهجه مشهدی اغراق می‌کنند که از شیرینی این لهجه می‌کاهد تا جایی که مخاطب را دلزده می‌کند این در حالی است که مشهدی‌ها بین خودشان مشهدی حرف می‌زنند اما عموم آن‌ها با غیرمشهدی‌ها با لهجه صحبت نمی‌کنند. شخصیت مرد از پس اجرای لهجه مشهدی بهتر از بازیگر زن (الهام کردا) برآمده است، کردا در ادای لهجه غلو می‌کند، البته تا موقعیت‌های شیرین و بامزه‌ای که شعبی در روابط اعضای یک خانواده مشهدی ایجاد می‌کند نباید گذشت، توجه به ظرافت‌های رفتاری و تعارفات مشهدی از بخش‌های جذاب و قابل توجه فیلم است، دقت در جزئیات و یادآوری خاطرات نوستالژیک نیز از دیگر نقاط قوت «بدون قرار قبلی» است که نشان از تسلط فیلمساز به اتفاقات کوچک زندگی و تیزبینی او دارد.

سکانس طلایی فیلم

فیلمی که افتتاحیه آن با مرگ آغاز می‌شود، پایانش به چشمه جاری حیات وصل می‌گردد. صحنه پایانی فیلم را می‌توان سکانس طلایی آن دانست جایی که پسرریجه بیماری که از بی‌قراری رنج می‌برد به نقطه آرامش می‌رسد. این پلان می‌توانست اسیر شعارزدگی شود اما هوشمندی فیلمساز در ایجاد پیشینه برای شخصیت‌ها، او را از این دام رهانید. بیماری اتیسم پسرریجه به تراژیک شدن این صحنه کمک می‌کند، بازی انفرادی کودک و چرخیدن در دایره‌ای فرضی وسط صحن که می‌توان آن را نمادی از بازگشت به خویشستن دانست یا نگاه سراسر بهت «الکس» به صدای نقاره‌زنی، عاری از شعار بود؛ چرا که این توجه به پیرامون و اشیاء، ویژگی چغه‌های اتیسم است. توجه به مشکلات بچه‌های اتیسم و نحوه مواجهه درست با آن‌ها نیز از نقاط قوت فیلم بود که هم به پیشبرد درام کمک کرد و هم وجه آگاهی‌بخشی به جامعه را داشت. در این فیلم با وجود یکدستی در بازی‌ها، بازیگران اصلی ایفای نقش شاخصی ندارند. از نگاه آهنگرانی، مصطفی زمانی و صابر ابر نقش آفرینی ویژه‌ای نمی‌بینیم اما این نام‌ها می‌توانند به فروش فیلم در گیشه و تبلیغات آن کمک کنند.

فیلم ساختن ماندگارتر است. کلاً خیلی آدم صریحی نیستم.

وی درباره انتخاب بازیگران این فیلم گفت: برای این فیلم سایتی طراحی کردم و فراخوان دادم و در مدت دو روز ۱۳هزار نام‌نویسی کردند. ۵۰۰ نفر تست حضوری گرفتیم و کم‌کم به انتخاب‌های ۱۰ نفره ۵ نفره رسیدیم و

نشان مواجه می‌شود. حضور دختر در زندگی آن‌ها به اتفاقاتی عجیب منجر شده و به تدریج هویت‌رویا دچار دگرگونی می‌شود. طناز طباطبایی، صابر ابر، شادی کرم‌رودی، فرانک کلاتنر، نهال دشتی، مانده طهماسبی و رضا داوودنژاد بازیگران این فیلم هستند.

فیلم‌ولی جشنواره محسوب می‌شود که فیلم جدید او در ژانر معمایی با مضمونی اجتماعی ساخته شده است. موضوع این فیلم داستان زوج جوانی است به نام رویا و بابک که قصد مهاجرت از ایران را دارند. دو هفته پیش از مهاجرت رویا با دختری بی‌نام و

گفت‌وگوی روز

بهروز شعبی در گفت‌وگو با قدس آنلاین:

امیدوارم «بدون قرار قبلی» شروع ساخت کارهایی در مورد امام رضا باشد

لیلا نوعی | کارگردان فیلم «بدون قرار قبلی» با بیان اینکه اعتقاد به امام رضا(ع) جزو اعتقادات مشترک ایرانی‌ها و مسلمانان است و جایی مثل حرم مطهر رضوی، نقطه وصل و آرامش است، می‌گوید: من خیلی دوست داشتم فیلمی با مضمون امام رضا(ع) بسازم و امیدوارم «بدون قرار قبلی» برای من شروع ساخت کارهایی در مورد ثامن الحجج(ع) باشد.

بهروز شعبی می‌افزاید: نگرانی من این بود که نمی‌توانیم سکانس‌های داخل حرم مطهر را بگیریم ولی تولید محترم و مدیران آستان قدس رضوی همکاری خیلی خوبی با ما داشتند و قصه ما از سوی آن‌ها به خوبی درک شد، در واقع دغدغه‌ام این بود که نمی‌شود چنین سکانس‌هایی را در حرم گرفت که به ما این مجوز را دادند.

کارگردان «بدون قرار قبلی» با بیان اینکه در این فیلم به مقوله سفر و بازگشت به ریشه‌ها و خویشتن اشاره می‌شود، خاطرنشان می‌کند: این‌ها بخشی از هویت ماست، همه ما مسئله‌های زیادی در زندگی داریم ولی پناه بردن‌های معنوی، مفری برای حال خوب ماست و بخش جدانشدنی زندگیمان. در واقع نگاه معنوی سبب تجدید قوای روحی ما می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه این فیلم متعلق به تماشاگران است، می‌گوید: نمی‌خواستیم شعار بدهیم یا پیامی را گل‌درشت کنیم. بعد مذهبی در زندگی همه ما جاری است و تا زمانی که تعریف شعارگونه پیدا نکند همه ما با هم همسو هستیم اما زمانی که قرار باشد تصویری غیرواقعی و غیراعتقادی بسازیم مخاطب از اثر فاصله می‌گیرد. به نظرم به لحاظ اعتقادات مذهبی، همه انسان‌ها روح مشترکی دارند و معنویت جزو ذات همه ماست.

شعبی با بیان اینکه بیماری اتیسم به لحاظ فرهنگ‌سازی و رویارویی در کشورمان، چندان بعد اجتماعی پیدا نکرده است، یادآور می‌شود: ما برای شناساندن این بیماری باید تلاش کنیم تا تعریف اجتماعی پیدا کند و مردم آگاه شوند بنابراین لازم است که در سینما به این موضوع بپردازیم.

او در پایان یادآور می‌شود فیلم بدون قرار قبلی اقتباس نیست بلکه برداشتی آزاد از یکی از داستان‌های مصطفی مستور است و این نویسنده نیز درباره فیلم‌نامه، مشورت‌های خوبی داشته است.



گفت‌وگو با ایمان کرمان، مدیر جلوه‌های ویژه فیلم «موقعیت مهدی»

بدون حمایت، فیلم جنگی ساخته نمی‌شود

وحشتناک‌تری از این فیلم روبه‌رو می‌شود. کرمان با بیان اینکه نگاه هادی حجازی‌فر به استفاده از جلوه‌های ویژه نسبت به کارگردان‌های دیگر بسیار خاص و متفاوت است، درباره شرایط برخورداری از تجهیزات مناسب برای اجرای مناسب جلوه‌های ویژه توضیح می‌دهد: خوشبختانه برای تأمین تجهیزات مورد نیاز با مشکل مواجه نبودیم، البته با توجه به اینکه پروداکشن (پیش‌تولید) این فیلم بزرگ بود با مشکلاتی مواجه بودیم که البته به راحتی این موارد برطرف شد، تأکید می‌کنم که اگر برای چنین فیلم‌هایی حمایت و تجهیزات وجود نداشته باشد، هیچ وقت و عاشقانه است، می‌گوید: «موقعیت مهدی» فیلمی جنگی نیست، اما در میان روایت بخشی از زندگی شهیدان مهدی و حمید باکری، رشادت‌های این شهدای بزرگوار نیز روایت می‌شود که در جنبه و عملیات‌های سخت رخ می‌دهد و تماشاگر تلویز یون با صحنه‌های دلخراش‌ترو



مهدی» فیلمی جنگی نیست، اما در میان روایت بخشی از زندگی شهیدان مهدی و حمید باکری، رشادت‌های این شهدای بزرگوار نیز روایت می‌شود که در جنبه و عملیات‌های سخت رخ می‌دهد و تماشاگر تلویز یون با صحنه‌های دلخراش‌ترو

یادداشت‌های روزانه

درباره «شب طلایی» ساخته یوسف حاتمی‌کیا

وقتی برق طلا

هوش از سر می‌پراند

صبا کریمی | نام «شب طلایی» و سازنده‌اش یوسف حاتمی‌کیا را که می‌شنوید، ناگزیر و به هر طریقی دنبال یافتن رد پایی از ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلم هستید اما اطمینان خاطر می‌دهیم که این فیلم پسر است نه پدر و به وضوح با جهان فیلم‌سازی حاتمی‌کیا فاصله دارد، چنان‌که حتی دلیل عمده حضورش در این فیلم برای تسهیل روند تولید بوده است. «شب طلایی» که پیش‌تر «شمش طلا» نام داشت داستان سرراست و مشخصی دارد. فیلم تک‌لوکیشن است و در

یک روز روایت می‌شود. «شب طلایی» داستان خانواده‌ای است که در خانه مادر بزرگ جمع می‌شوند تا تولدش را جشن بگیرند اما اتفاقی غیرمنتظره همه چیز را به هم می‌ریزد و شرایطی پیش می‌آید که این خانواده پرجمعیت به شناخت تازه‌ای از

همدیگر می‌رسند. فیلم در دوران کرونا روایت می‌شود اما عملاً کارکرد و اثری در فیلم ندارد جز چند ماسک نصفه و نیمه روی صورت شخصیت‌های قصه؛ از طرفی این خانه خیلی شلوغ است و مشخص نیست کارکرد این تعداد آدم در داستان چیست و بود و نبود تعدادی از آن‌ها هم عملاً تأثیری در پیشبرد داستان ندارد. با این حال بازی مریم سعادت، یکتا ناصر، بهناز جعفری و حسن معجونی نقطه قوت فیلم است.

اما در مجموع یوسف حاتمی‌کیا در هدایت فیلمی پرباز بگر و نمایش روابط پیچیده درون یک خانواده موفق بوده، «شب طلایی» کارگردانی یکدست و روانی دارد و با اینکه فیلمی تک‌لوکیشن و با تأییم ۱۰۳ دقیقه‌ای است اما ریتم رابه خوبی حفظ می‌کند و خسته‌کننده نمی‌شود.



«هناس»؛ عاشقانه‌ای پرفراز و نشیب

از زندگی شهید رضایی‌نژاد

«هناس» روایتی از زندگی شهید داریوش رضایی‌نژاد است که در واقع تمرکزش را روی زندگی شهره پیرانی همسر او قرار داده و با اینکه ماهیت و موضوع فیلم سیاسی و امنیتی است اما در این فیلم قرار است از زاویه دید شهره با بازی مریلا زارعی تجربه زیست کنار یک پژوهشگر که در پروژه‌های امنیتی حضور دارد را ببینیم.

حسین دارایی یک عاشقانه پرفراز و نشیب را به تصویر کشیده اما تعداداً به مسائل امنیتی ورود نکرده و کلیدواژه‌های مهمی را در فیلمش از قلم انداخته که موجب ساده‌انگاری اصل موضوع شده است. گرچه او در نشست خبری فیلمش عنوان کرده عامدانه نمی‌خواستیم به مسائل امنیتی ورود پیدا کنیم؛ چرا که روایت فیلم از سوی خانواده شهید صورت گرفته و با یک فیلم بیوگرافی فرطیم که می‌خواهد یک عاشقانه را روایت کند.

با این حال او از موارد مهمی همچون بحث امنیت شهید رضایی‌نژاد، پسرورد ساده و ابتدایی لپ‌تایی که مهم‌ترین اطلاعات امنیتی در آن است و از طرفی نگهداری آن در خانه‌ای که اهالی‌اش می‌داندند تحت نظر است و... عبور کرده است. «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا را در نظر بیاورید، حیدر ذبیحی بادیگارد یکی از همین دانشمندان هسته‌ای بود و در آن فیلم به خوبی اقتضائات چنین شرایطی به تصویر کشیده شده بود، اما اینجا دوربین به «هناس» روی روابط عاشقانه و صبور ی همسر شهید زوم کرده و فیلمساز ضرورتی به رعایت برخی بدیهیات ندیده است.

بازی مریلا زارعی در نقش شهره پیرانی یکی از امتیازات «هناس» است؛ او با بازی در «بادیگارد» این فضا را به نوع دیگری تجربه کرده بود و حالا در نقش همسر شهید توانسته توجه خانواده رضایی‌نژاد را جلب کند و برای مخاطب نیز باورپذیر باشد. وحید رهبانی نیز با اینکه حضور کوتاهی در این فیلم دارد اما به خوبی از پس ایفای یک نقش منفی برآمده و حضور مؤثری در «هناس» دارد.